



18



YANG
REIS
MIKI
RICH

BATMAN SUPERMAN



دورنامه

dorname.ir

نور. صدا. اکشن.

کاری از: کیوان داوند

1398
2021

زمین-صفر
تر موسفیل

داخل سازه ای که
تحت عنوان آرشیو
دنیاها شناخته می شود

بتمن و سوپرمن با
نفوذ به آرشیو بزرگ و مرموز
دنیاها باعث برانگیخته شدن خشم
نگهبان آرشیو ... یعنی اوتور ۱۰ کبیر
و اسرار آمیز شدند.

سوپرمن سعی
می کنه از ارتعاشات
کشنده حلقه کرپتونایت
اوتور ۱۰ دوری کنه، ولی
نمی تونه!

و بتمن؟

اون کمتر
از بی مصرفه!

اوتور ۱۰
حتی از سلاح
اون علیه خودش
استفاده می کنه!

کلاه خودم!

با آخرین
نفس هایی که
برای سوپرمن باقی
مونده آخرین
کلمات رو
می گه...

من خیلی
چیزها هستم
اوتور ۱۰...

این حرفا
برای دهنتم
بزرگه ابله!

...ولی
بی مصرف
یکی از اونها
نیست.



اوراکل! صدای منو می شنوی. اکسیژنم داره تموم می شه!



بیشتر نفوذ کن بتمن! جو اونجا دوستانه تره!

سوپرمن، تو...؟



الان از اوتور حلقه کریپتونایتی اوتور ۱۰ دور شدم. خالم خوبه. ممنونم بتمن.

هن، وقتی داشتیم با هم گپ می زدیم، تحقیقی که ازم خواسته بودی انجام دادم.

ممنونم اوراکل.



هیچ اشاره ای به اوتور ۱۰ نشده. تو همه پایگاه های داده لیک عدالت که من چک کردم... ولی اینو پیدا کردم...

...اوتور ۱۰ اسم یه سیستم نرم افزاریه... یه الگوریتم با میزان خلاقیت در حد انسان که یکی از شرکت های تابع لکس کورپ اونو ساخته. اونها نسخه بتا رو چند ماه پیش عرضه کردند. تا حالا چند تا مشتری که اونو خریدند، همه از بخش سرگرمی ها بودند.

استودیوهای فیلمسازی.

اونها الکی بهت نمي کنن بزرگترین کار آگاه جهان.



صبر کن. پس اون داره می گه... ما داریم با یه کد کامپیوتری می جنگیم؟

نه، دیدم خونریزی کرد.

اوتور ۱۰ فقط یه کد نیست.

ولی بعد...



شما دو تا فکر می کنید من تونید تو آرشیو خودم از من پنهان بشید؟



ارباب، چیزی که خواسته بودی.

خیلی ممنون آرشیویست!

من مطمئنم قهرمان های ما این تم رو تشخیص می دن! برای یکی از دنیاها علمی-تخیلیه تو آرشیوه. به همین خاطر تا این حد ماجراجویاه است!

یه کریستال از فنتوم زون!



سوپرمن.

تو...؟

الان که از دستبند کریپتونایتی دکتر اتم دور شدم، خوبم. ممنونم بتمن.

کریپتونایت. اسم اون کریستال سبز رنگه... تنها چیزی که می تونه سوپرمن رو ضعیف کنه.

دریافت شد.

SUPERMAN
Superman created by Jerry Siegel and Joe Shuster. By special arrangement with the Jerry Siegel family.
BATMAN and ROBIN
Batman created by Bob Kane with Bill Finger.
IN WORLDS APART!

در همین بین بتمن و رابین دنیای شوالیه متحدان جدید خود خبرنگار درجه یک لونیس لین و مرد پولادین رو به واقعیتی که خانه آنهاست همراهی می کنند!

به محض اینکه پای ما به زمین برسه، مردی که می تونه پرواز کنه، قدرت خودشو بازیافت می کنه. اون به خودش می گه...

ما کیاییم؟!

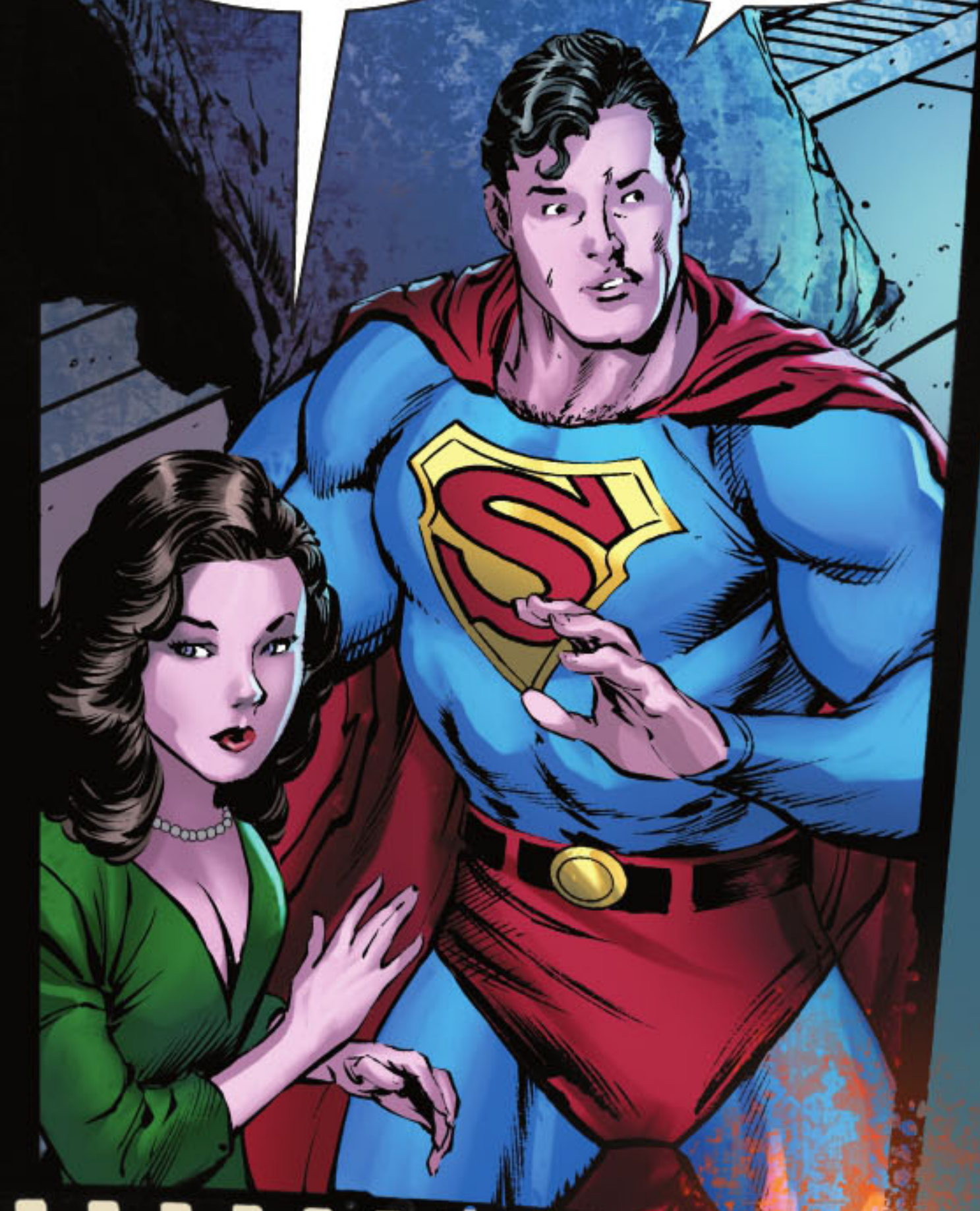
گفتنش
سخته خانم لین.
مطمئن نیستم وقتی
تو زمان جلو و عقب می ری
رفتار زمان چطوری
می شه...

از وقتی
ما رفتیم، چقدر
زمان گذشته، می تونی
حدس بزنی؟

زیر عمارت
یه خانواده بشدت
ثروتمند.



اینجا جایبه که
غار خفاشی باید باشه.



تعجب می کنم چرا
رابین استلاگمیت ها
یادش نمیاد.

درسته،
ولی دنیای شما
کجاست خانم
لین؟

ما به
دنیای خودمون
برگشتیم... همونی که
من و سوپرمن ازش
میایم.



هشدار!
تجاوز!

اونها
شبیبه نسخه های
مینیا توری ربات های
جادوگر ناشناس
هستند!

شاید حق
با جادوگر بوده
که گفت مارتا وین
ایده اش رو
دزدیده!

هشدار!
تجاوز!

هشدار!
تجاوز!

اندرویدهای
امنیتی وین!

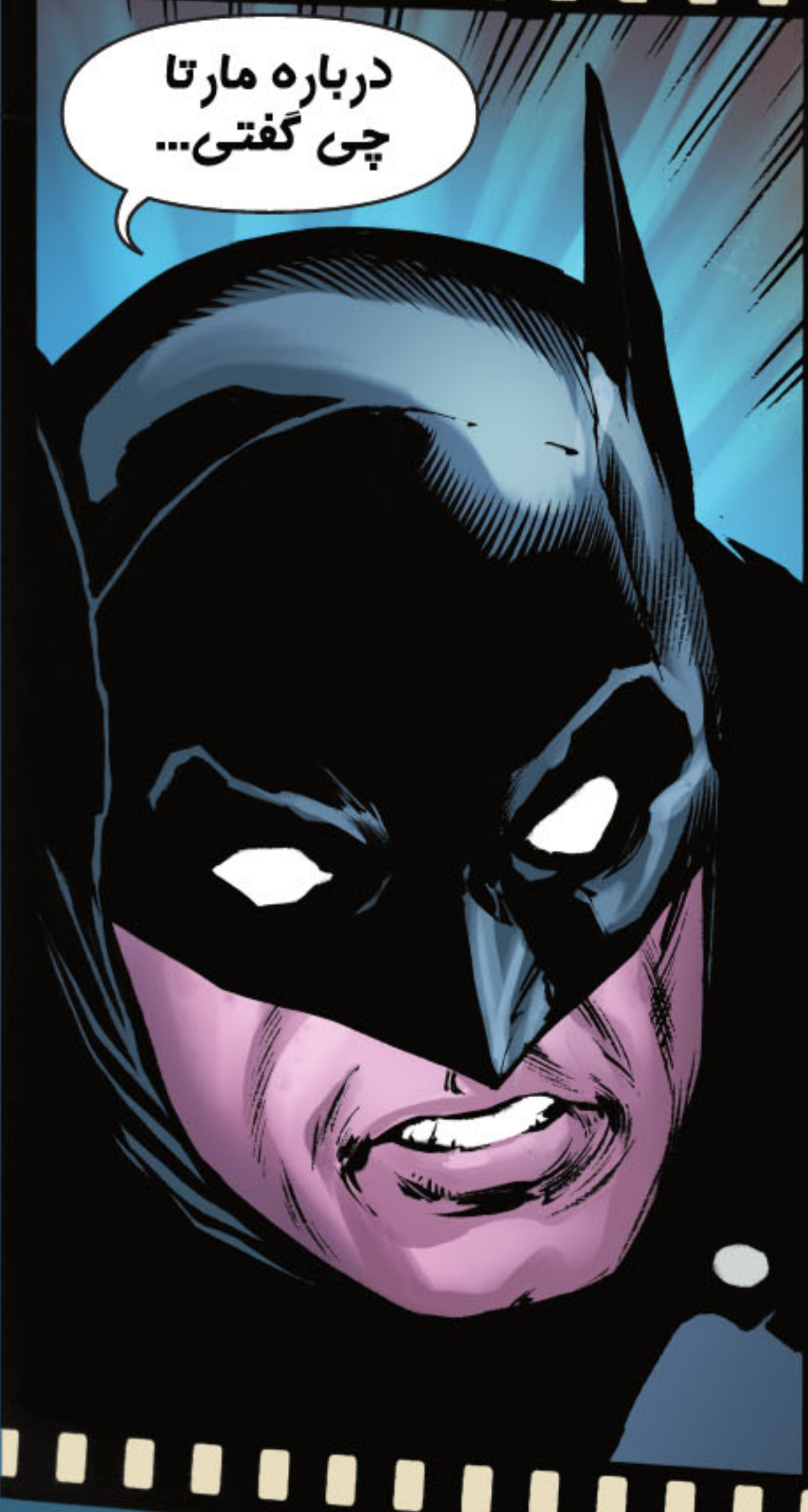


*برجوع شود به
پتامن / سوپرمن #19



سرتونو
بدزدیدا!

درباره مارتا
چی گفتی...



در جایی دیگر در عمارت وین، خبرنگار شجاع جیمی اولسن سیستمی تو در تو از غارها رو بطور تصادفی پیدا می کند!



خدای من، این بروس وین حرف هایی برای گفتن داره
حالا خانم لین و آقای گنت کجا رفتند؟



جیمی اولسن! خودتی...؟
کی...؟

هرگز فکر نمی کردم از دیدن چهره تو در حال جاسوسی تا این حد خوشحال بشم!



گوش کن جیمی! من به این نتیجه رسیدم که مارتا وین اختراعاتش رو از من نذر دیده!

واقعیت شنیعانه تر از اینهاست!
وین بخشی از به نقشه تجارت بین دنیاهاست!



اون تکنولوژی خودشو از به مغز متفکر به اسم دکتر اتم می گیره که متعلق به دنیای دیگه است!

و در عوض اون آدم هایی رو برای اون می فرسته تا به عنوان موش آزمایشگاهی ازشون استفاده بشه!

هضم این موضوع به کم سخته!



فقط منو از اینجا بیار بیرون بچه، قبل از اینکه...!

تسک، تسک، آقای اولسن.



جایی سرک می گشه که بهش تعلق نداره.



Click



یه شکله متلوک بر لور کنگ شر!

تارتخ!

در جایی دیگر در عمارت وین، خبرنگار شجاع جیمی اولسن سیستمی تو در تو از غارها رو بطور تصادفی پیدا می کند!



خدای من، این بروس وین حرف هایی برای گفتن داره حالا خانم لین و آقای گنت کجا رفتند؟



جیمی اولسن! خودتی...؟

کی...؟

هرگز فکر نمی کردم از دیدن چهره تو در حال جاسوسی تا این حد خوشحال بشم!



دکتر لوتر؟!!

گوش کن جیمی! من به این نتیجه رسیدم که مارتا وین اختراعاتش رو از من نذر دیده!

واقعیت شنیعانه تر از اینهاست!

وین بخشی از به نقشه تجارت بین دنیاهاست!



اون تکنولوژی خودشو از به مغز متفکر به اسم دکتر اتم می گیره که متعلق به دنیای دیگه است!

و در عوض اون آدم هایی رو برای اون می فرسته تا به عنوان موش آزمایشگاهی از شون استفاده بشه!

هضم این موضوع به کم سخته!



فقط منو از اینجا بیار بیرون بچه، قبل از اینکه...!

تسک، تسک، آقای اولسن جوان.



جاهایی سرک می کشه که بهشون تعلق نداره.



Click

برگری به سهولت شروع میکنی!

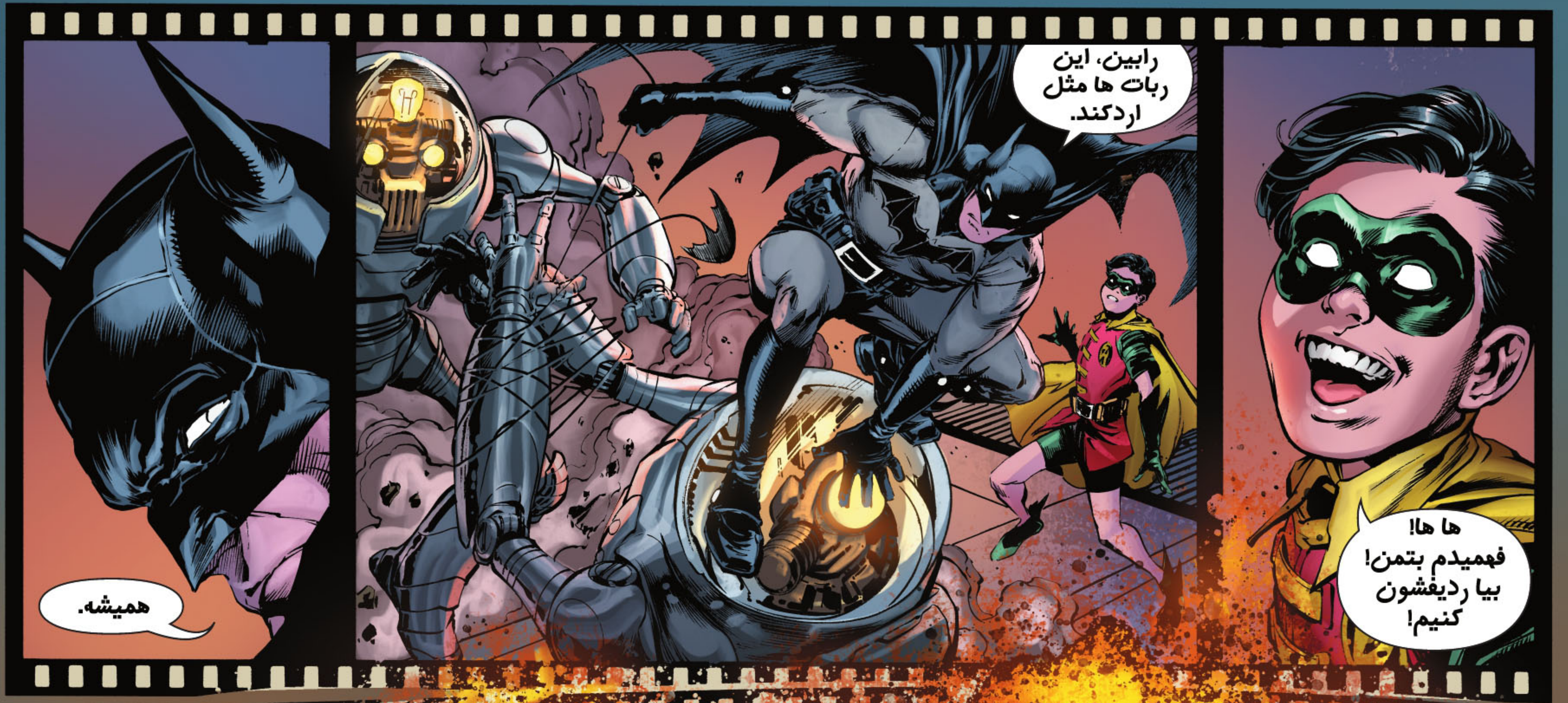
تخ...!



اگه منظورت از "قاتل کردن" استفاده غیر ضروری و پر سروصدا از خشونتته، موافقم.

ای وای...! سوپرمن قاتل کرد!

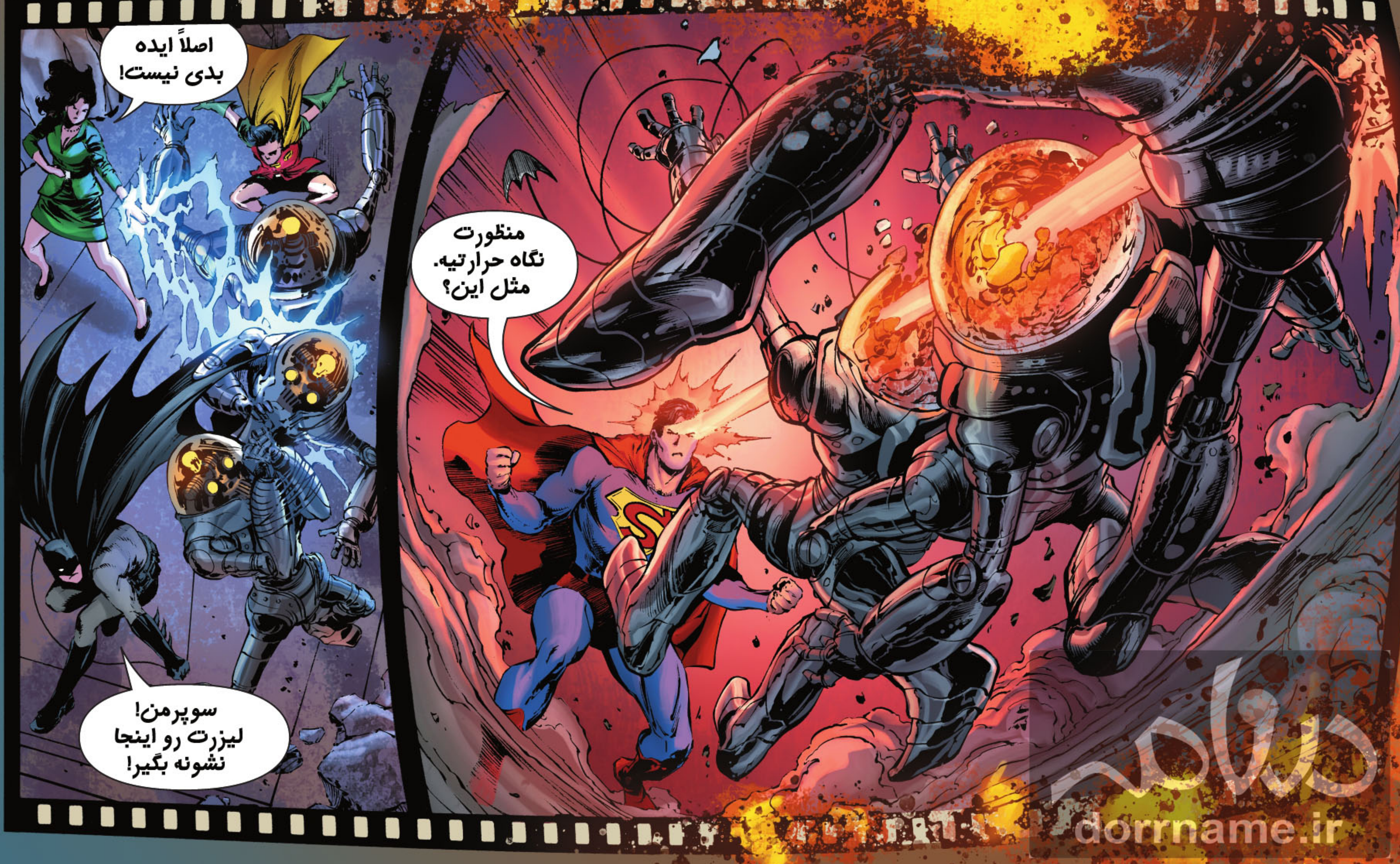
تو ایده بهتری داری بتمن؟!



رابین، این ربات ها مثل اردکند.

همیشه.

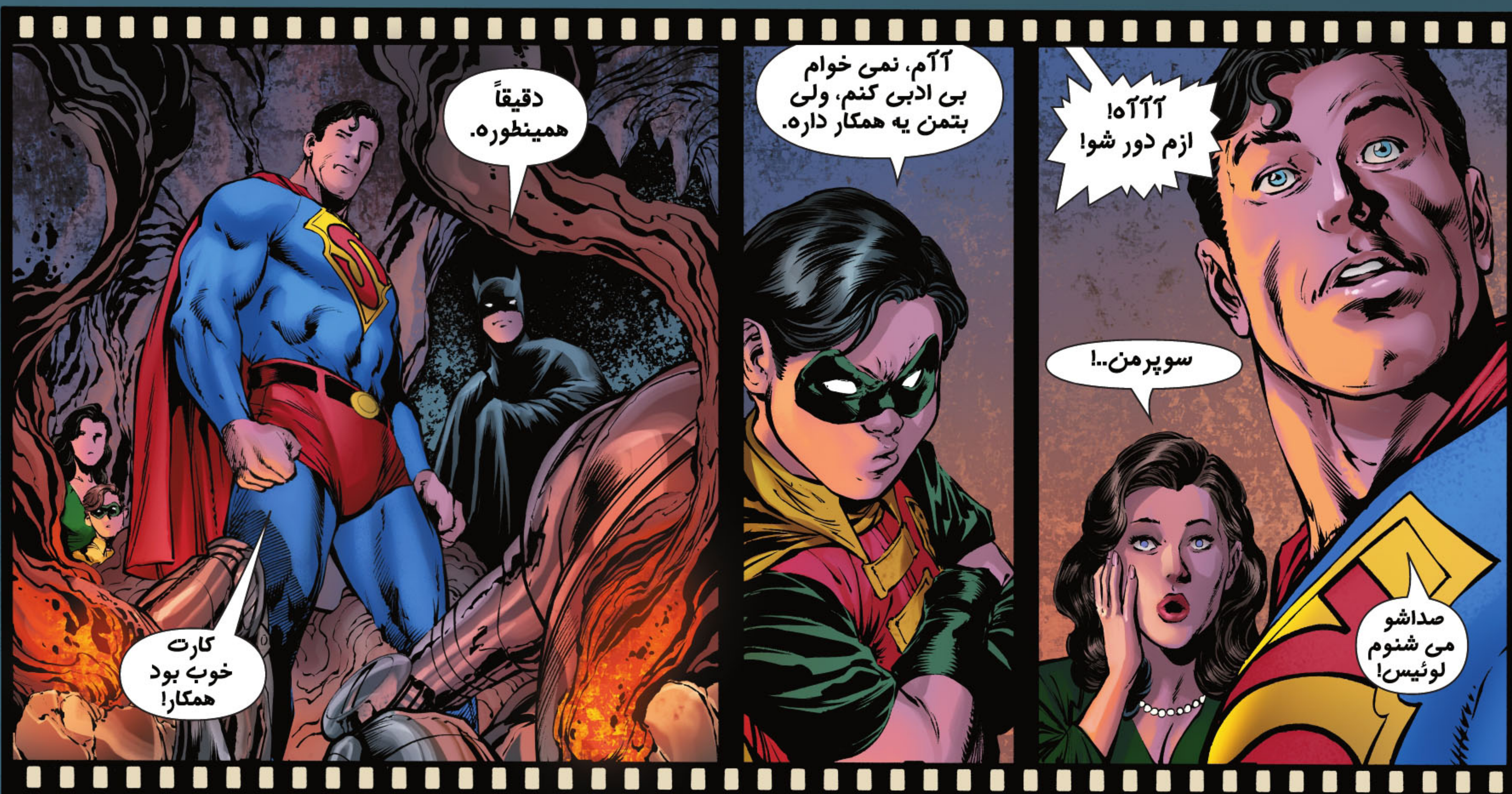
ها ها! فهمیدم بتمن! بیا ردیفشون کنیم!



اصلاً ایده بدی نیست!

منظورت نگاه حرارتیه. مثل این؟

سوپرمن! لیزرت رو اینجا نشونه بگیر!



دقیقاً
همینطوره.

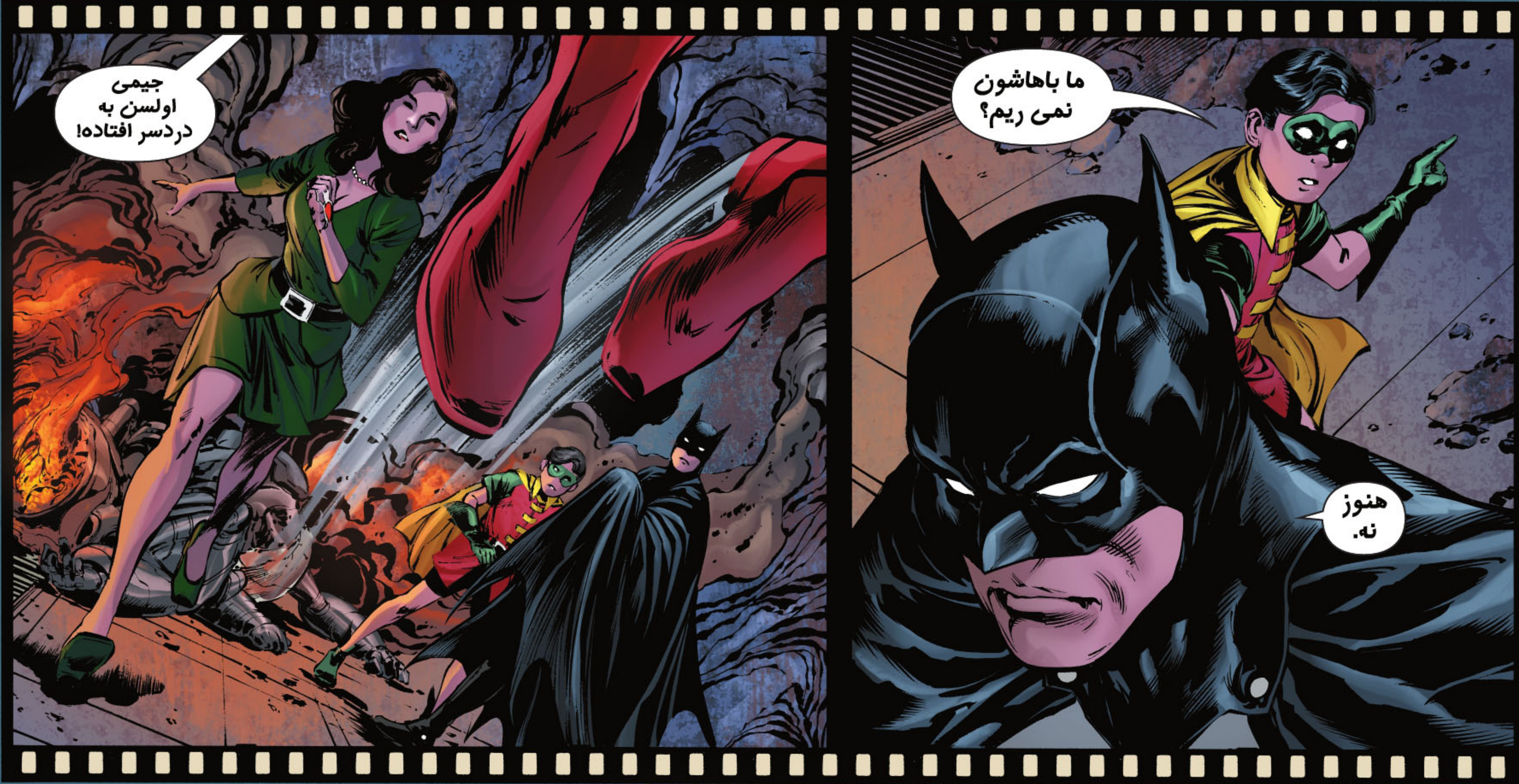
آآم، نمی خوام
بی ادبی کنم، ولی
بتمن یه همکار داره.

آآآه!
ازم دور شو!

سوپرمن..!

صداشو
می شنوم
لوئیس!

کارت
خوب بود
همکار!



جیمی
اولسن به
دردسر افتاده!

ما باهاشون
نمی ریم؟

هنوز
نه.



اینجا رو
ببینید.

یه لحظه
صبر کنید...
این راه پله،
راه پله خودمونه!

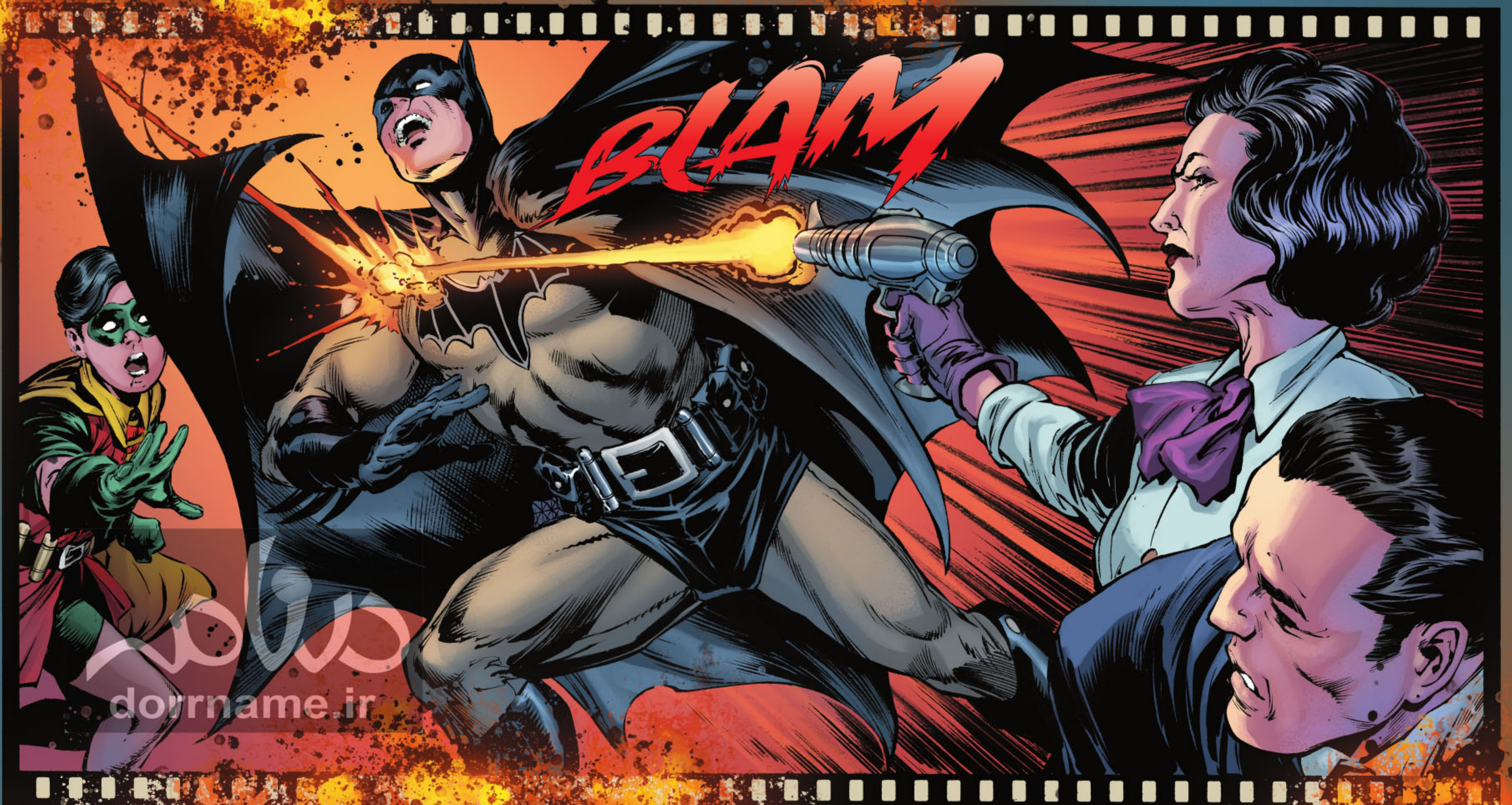
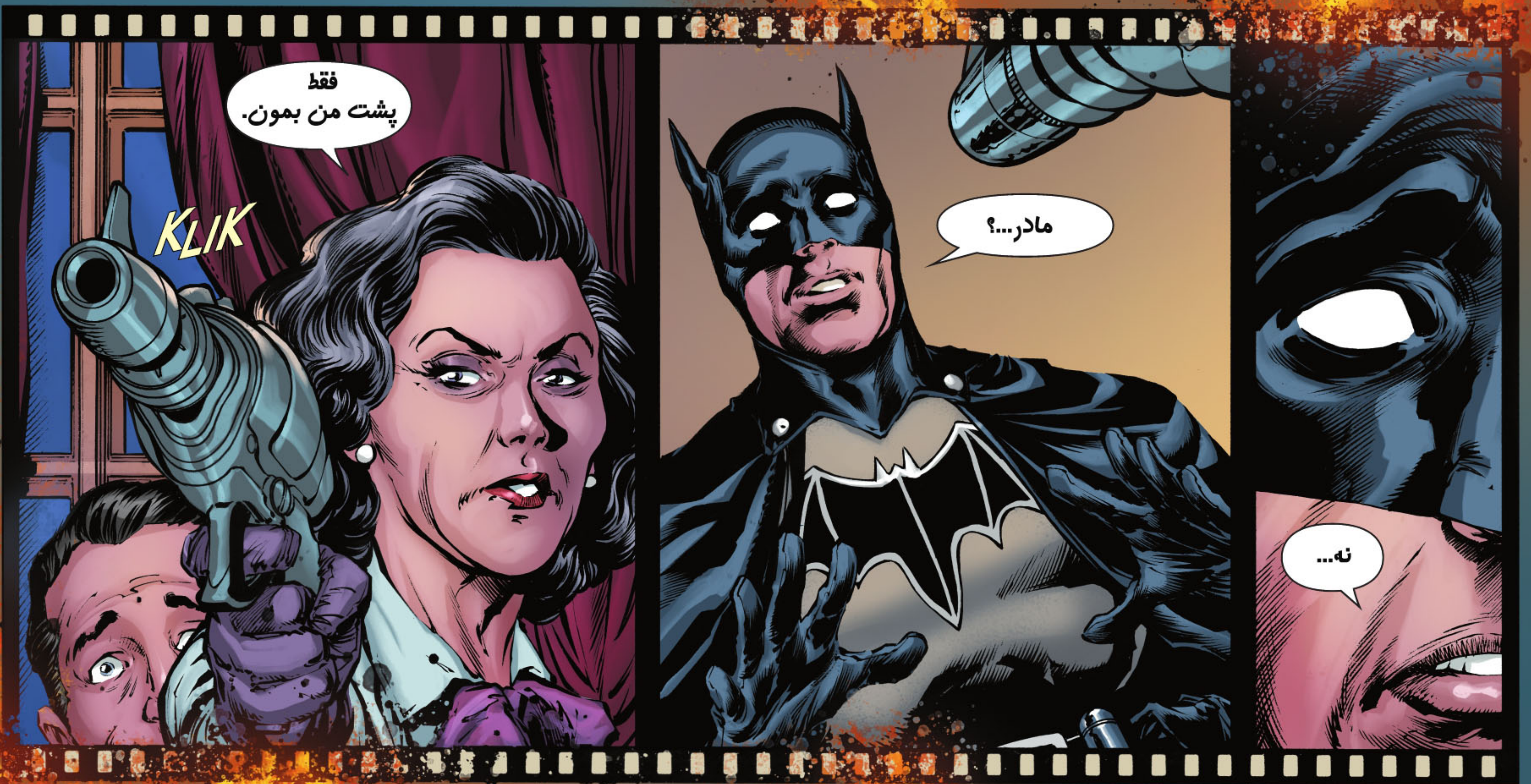
نباید
زیاد وقتتو
می گرفت رابین.

به آلفرد
می کم تکالیفت
رو دو برابر
کنه.
آو.

همونطور که
فکر می کردم.

وین
مینور...
خونه من.

مبلمان، کاغذ دیواری ها،
نقاشی های روی دیوار...
همه همونطورند که بودند...قبل
از اون...شب.







بتمن...!
رابین...
گرن...
...خواست
به بازی
باشه!

مادر، اون
چیز هنوز داره
حرکت می کنه!

بی حرکت
بمون،
احمق!

خدای
من، اوه
خدای من...!



سوپرمن...
این فرستنده با فرکانس
بالا...
گرن...
باید...
خواست رو جمع
کنی. من... خیلی
خون از دست
دادم...
می خوام
انلان از اینجا
برم بیرون.

کلیک

آه!
رابین...
بهبش آسیب
نرسون...!

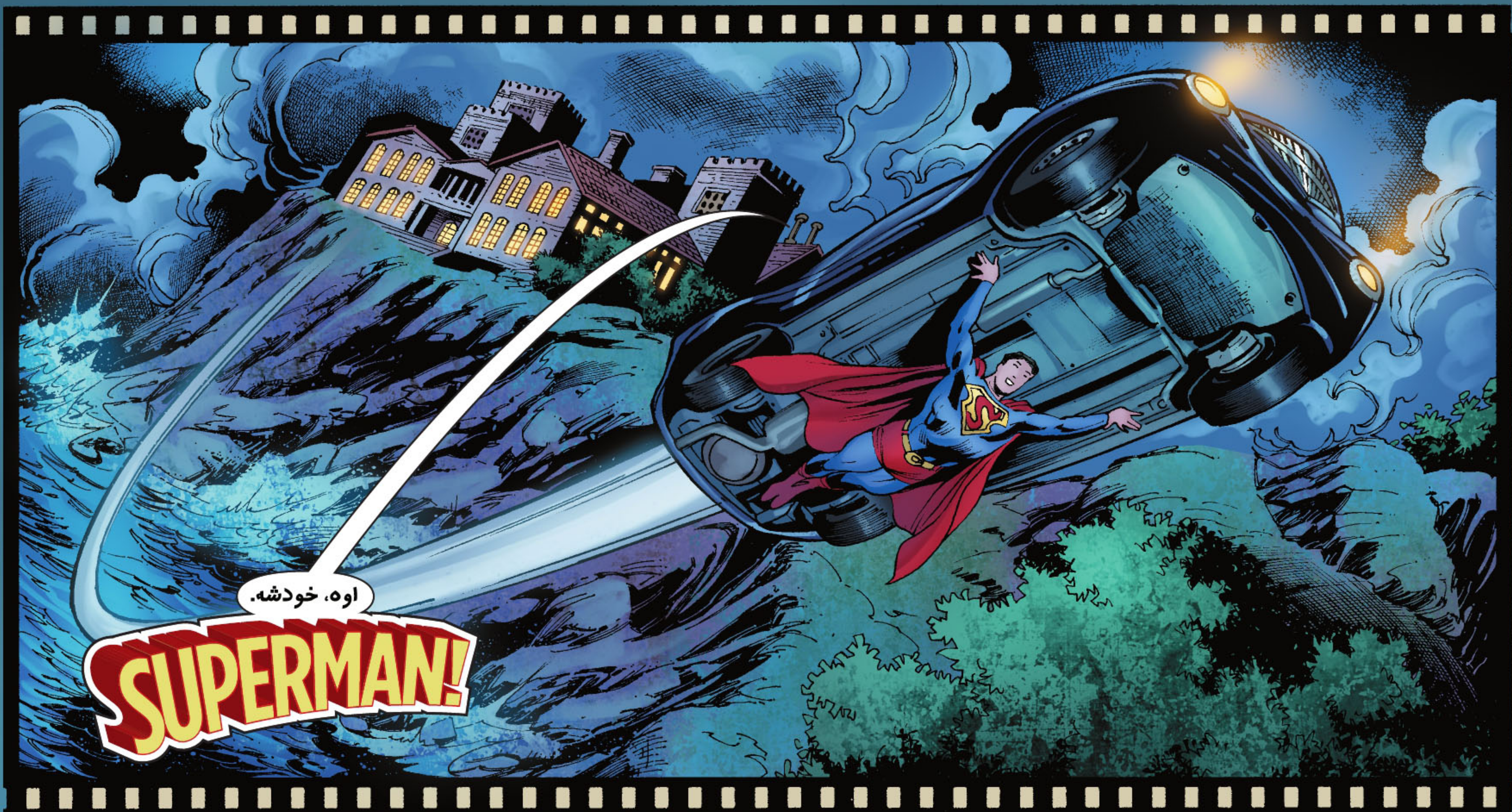
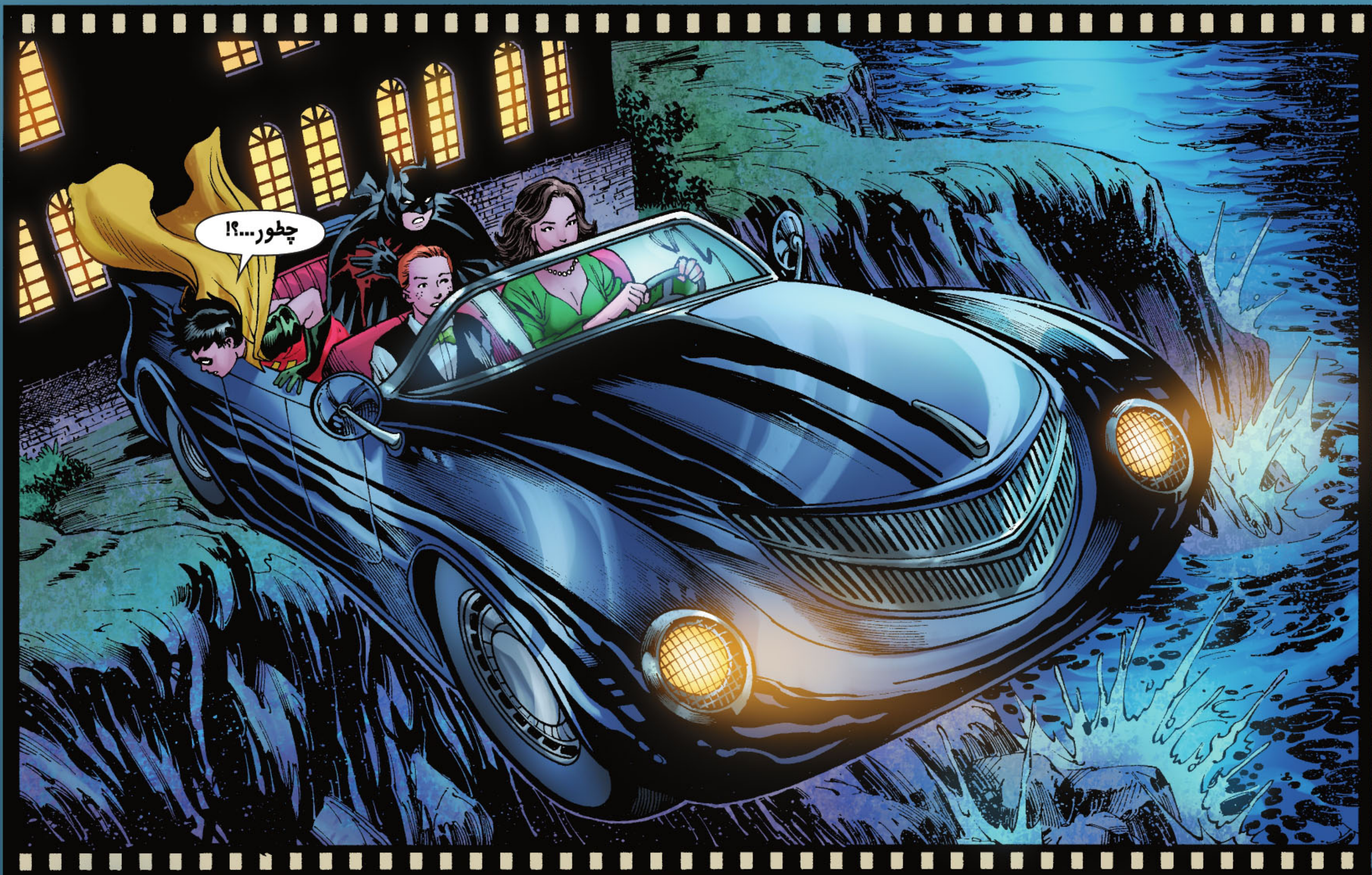
خدایا...!
اون دقیقاً
شبیه...
پس، یعنی
اون خانم...?
رابین،
شنیدی؟ بیرون
پنجره...
گرن...
گرن...

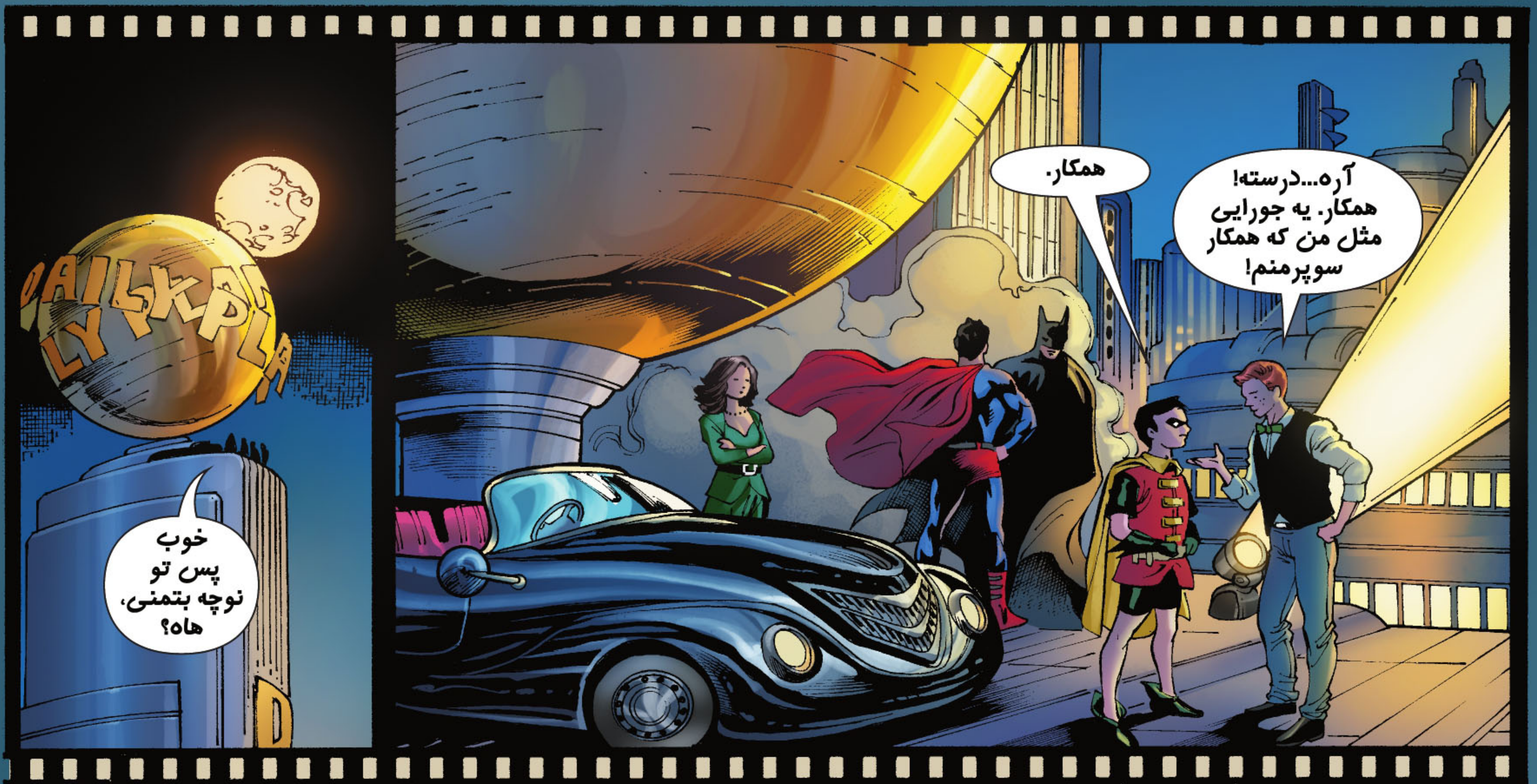


ما...
باید بریم.
نذار فرار
کنند!

د-دارم
س-سعی خودمو
می کنم، م-مادر!

BANG
BANG
BANG



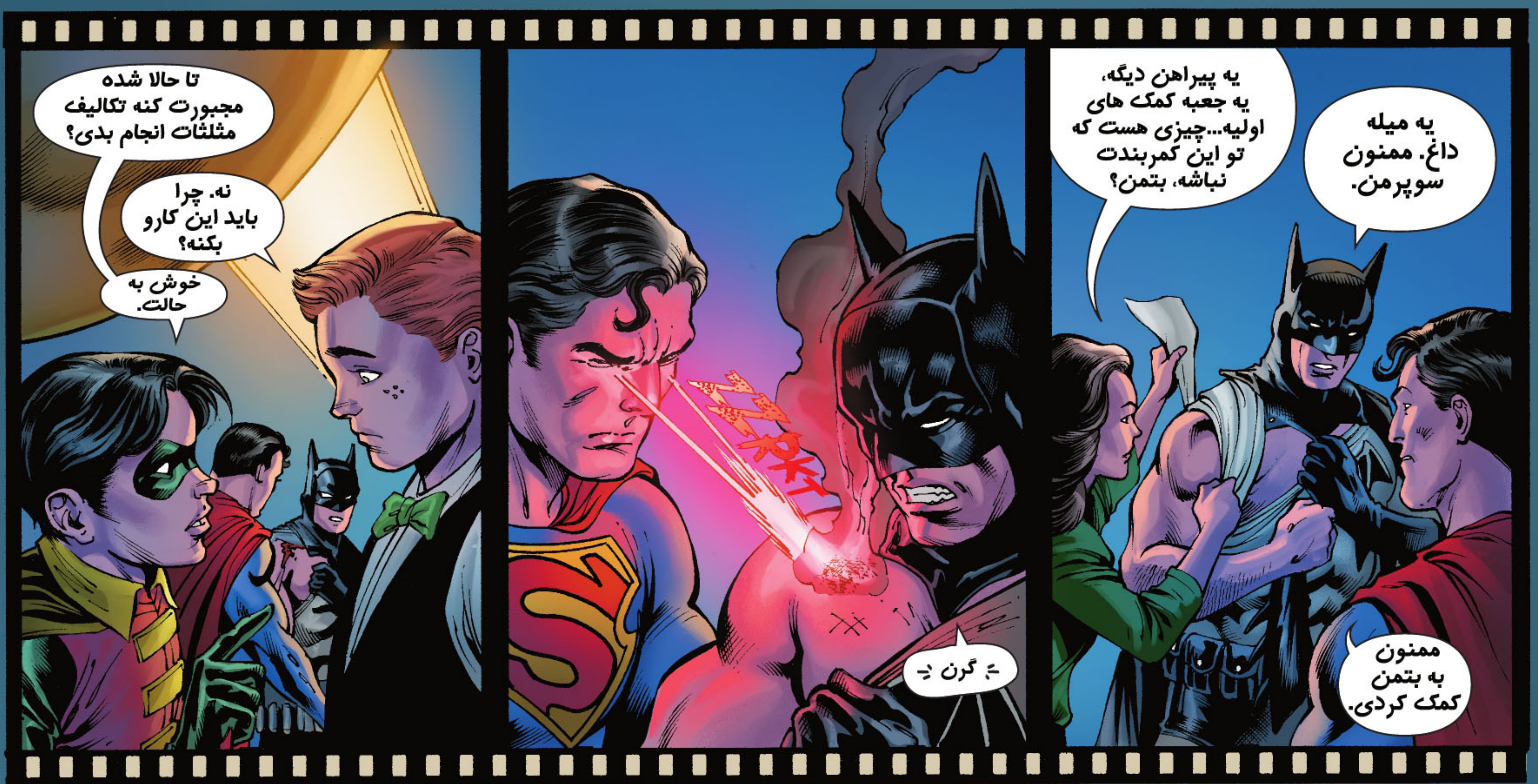


DAILY PLANET

خوب پس تو نوچه بتمنی، هاه؟

همکار.

آره...درسته! همکار. یه جورایی مثل من که همکار سوپرمنم!



تا حالا شده مجبور ت کنه تکالیف مثلثات انجام بدی؟

نه. چرا باید این کارو بکنه؟

خوش به حالت.

یه پیراهن دیگه، یه جعبه کمک های اولیه...چیزی هست که تو این کمربندت نباشه، بتمن؟

یه میله داغ. ممنون سوپرمن.

گرن =>

ممنون به بتمن کمک کردی.



اینجا خیلی آرومه خیلی زیباست.

خیلی نسبت به متروپلیسی که می شناسم متفاوته.

درست قبل از اینکه اون روان پریش آقای پنی ورت پیداش بشه...



...یواشکی پور تفن خودم رو بهش دادم.

می تونی خودت از دکتر بپرسی.



حرفه‌اش باورت می شه؟

جیمی دروغ نمی گه.

نه جیمی. لوتر.



...پس زیبایی دنیای من و وحشت دنیای تو به هم ربط دارن.

تکنولوژی روز برای مجرمان. تجارت خوبیه.

بتمن، اگه چیزی که لکس به جیمی گفته، درست باشه...



بالاخره! من به همه دستیاران خودم زنگ زدم. هیچکس حاضر نیست به من کمک کنه!

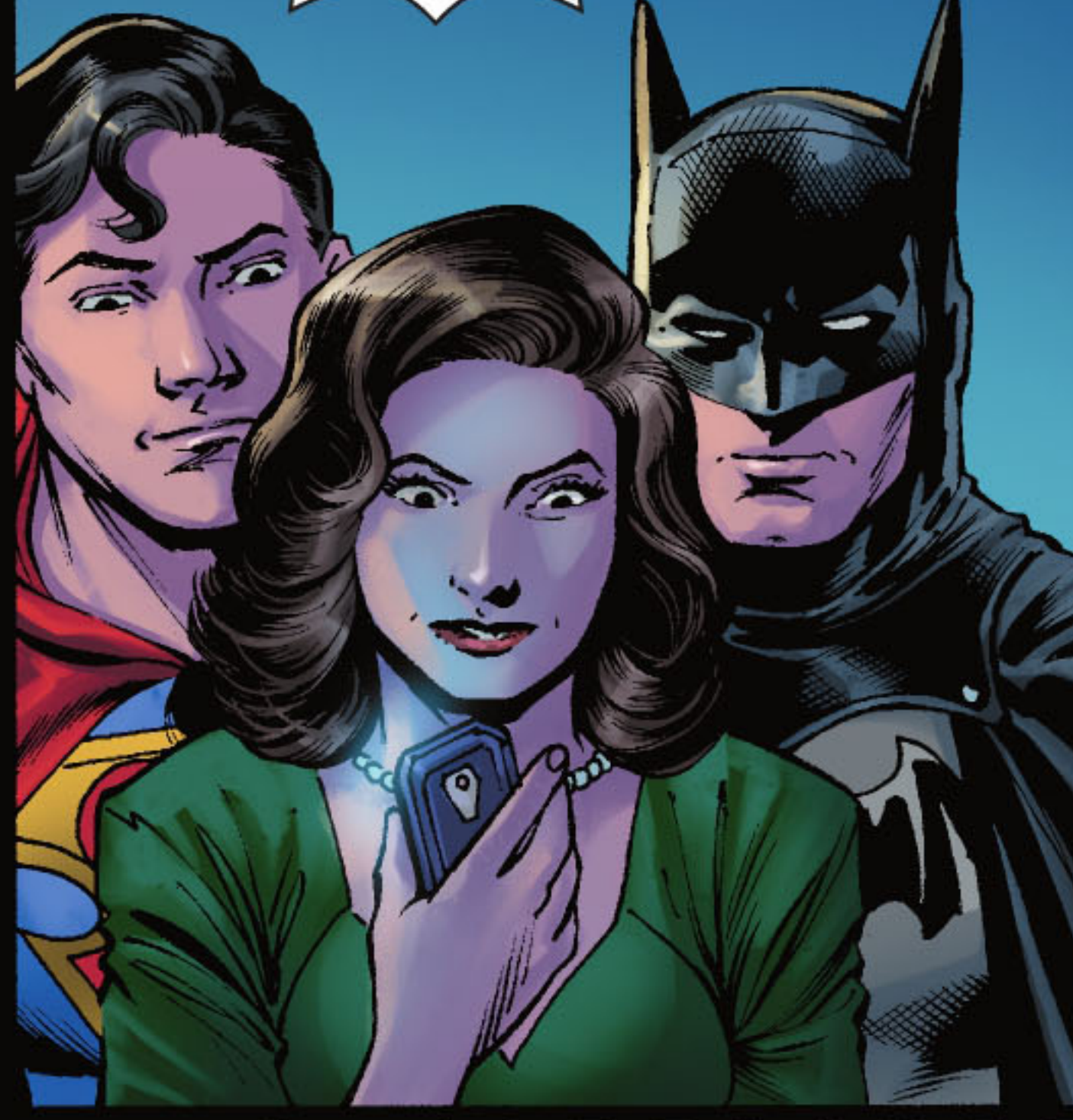
دکتر لکس؟ لوئیس لین، دیلی پلنت.



سعی ام رو می کنم!

فکر زیر گانه ای بود.

بعد از بازی هایی که سوپرمن در آورد، مارتا وین فکر می کنه که محل مخفی زیر خونه اش لو رفته! امشب می خواد منو به جای دیگه ای منتقل کنه...



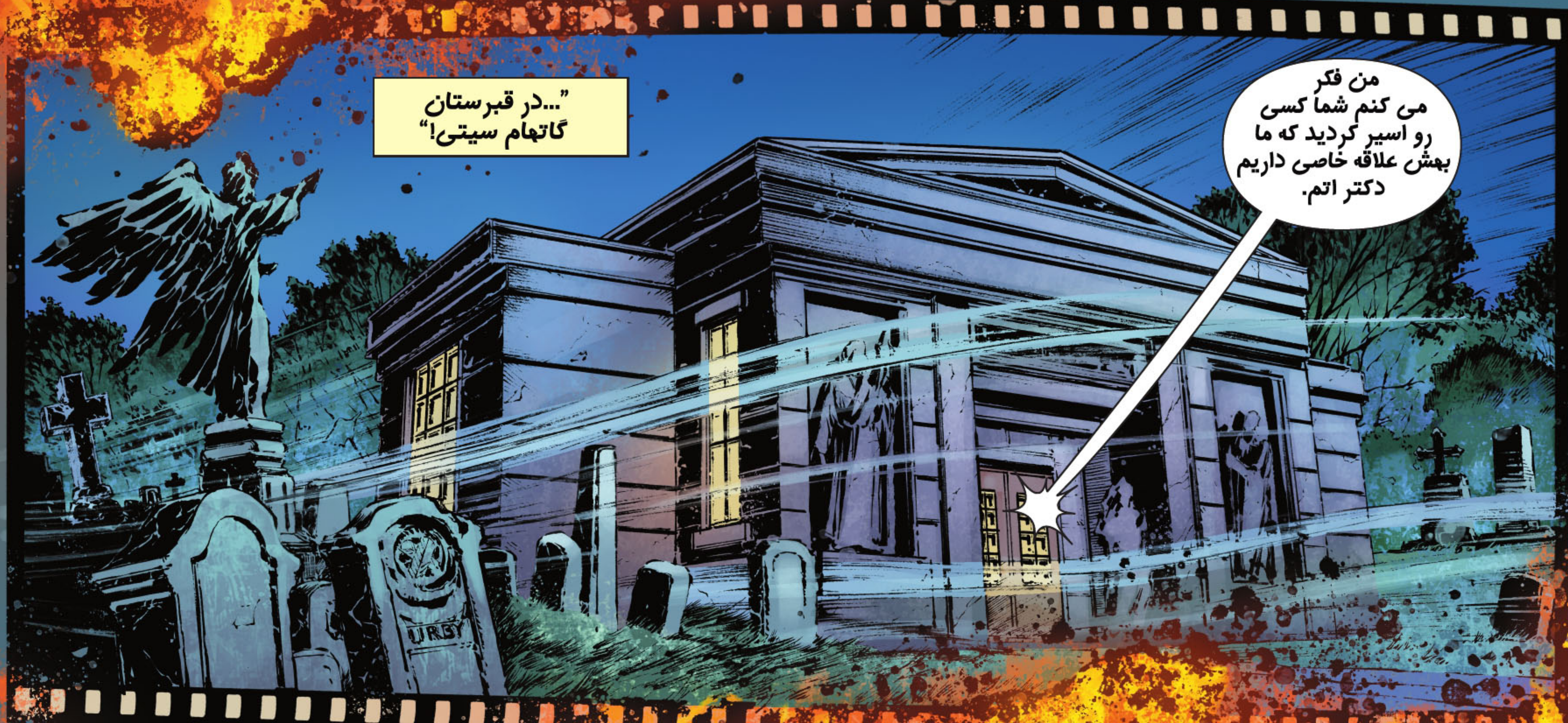
سوپرمن می تونه ظرف چند دقیقه ما رو به عمارت وین ببره!

نه، نه! حرف های اونو با پسر بی عرضه اش شنیدم!



ولی تو، خانم لین... منو نجات بدین... جذاب ترین داستان قرن رو بهتون می دم!

شما باید عجله کنید، قبل از اینکه مارتا وین منو به بعد دیگه ای بفرسته!



"...در قبرستان
گاتهام سیتی!"

من فکر
می کنم شما کسی
رو اسیر کردید که ما
بهش علاقه خاصی داریم
دکتر اتم.



اون خودشو جادوگر ناشناس
معرفی کرده. ولی اسم واقعیش
لکس لوتره.

ولم
کنید!

متأسفم
لوتر. ئستور
مادره.



کاملاً حق با
شماست، دکتر وین! آزمایشی
که من با این فرد می تونم، انجام
بدم خیلی ارزشمند می تونه
باشه!



فعلاً اونو
ببرید به آسایشگاه
آرکهام!

نه!
خواهش می کنم!
صبر کنید...!



در عوض سرمی که
وعده اش رو داده بودم، با
خودم آوردم. به هر کسی که
توزیق بشه قدرتی برابر با قدرت
سوپرمن می ده.



از حد
خودت فراتر
رفتی دکتر
اتم!



م-مادره؟!
یه نفر داره سعی
می کنه وارد
بشه!

سوپرمن می گفت هر وقت چیزهایی گم می شن،
واقعیت نفوذپذیرتر می شه. تایوت مادر من تو مقبره
فامیلی این دنیا نیست. دقیقاً باید از همینجا دنبال
سرنخ بگردیم...

لوتر کجاست؟!

...و خودش.

سوپرمن!



تو باید
دکتر اتم
باشی!



شهرتم
قبل از خودم
رسیده!

ننن...



مادر، دوباره همون هیولای
خفاشی غول پیگره.
از خفاش ها
متنفرم ام- ما باید از
اینجا بریم بیرون!

بروس، از
زمان مرگ پدرت، من خیلی
تلاش کردم دنیای خودمونو به جای
بهتری تبدیل کنم، چون نمی خواستم
هیولاهایه بار دیگه بهت آسیب بزنند.



ولی اخیراً به این
موضوع فکر می کنم که
بهترین راه برای حفاظت
از تو در برابر هیولاهایه...

...تبدیل
کردن تو به
یکی از
اونهاست!

SHINK

آآخخ!!



مادر،
چیکار...



پیگره
...!



...تیکید
لین گرو
هر کورس!

مادر
منو با سوزن
تکلیک کرده و لادن
پوسته شک شده! دروغ
ضعیف تر شو!

RAARGH!



اوقفه!



خدای...!

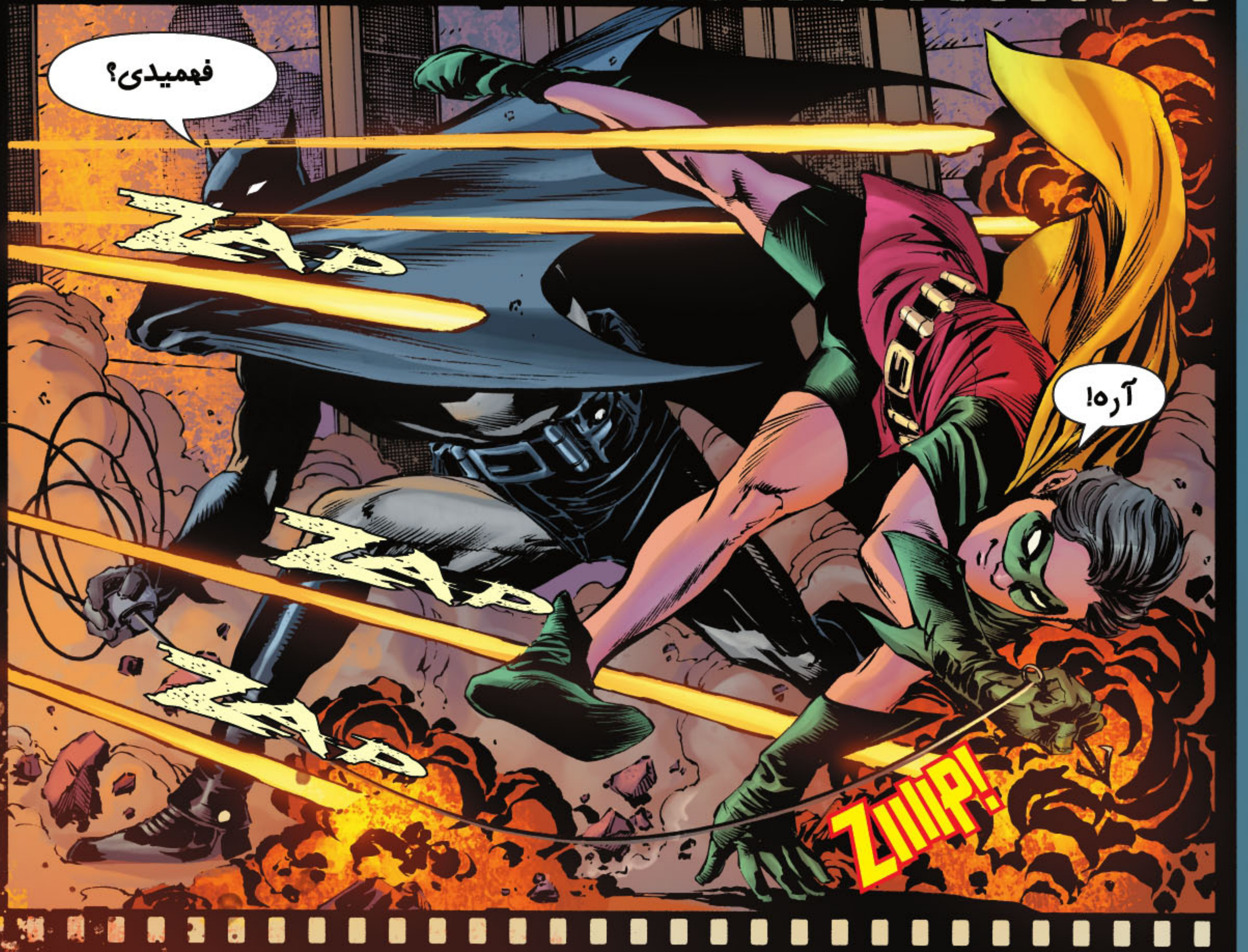
بروس
وین به هیولا
تبدیل شده، و الان
از سوپرمن قوی تر
شده!



نه، اون گردنبند
کریپتونایت دکتر
اتم سوپرمن رو
ضعیف کرده.



باید دکتر
اتم رو هر چه
سریع تر تا حد ممکن
از اینجا دور کنیم!



فهمیدی؟

آره!

ZUM!



WACK

چیکار داری...!؟

خودت می بینی.



هنن...!

OUCH! EVEN WITH YOUR FANCY HELMET, MY HAIR'S GOTTA HURT!

SWACK



هی، دکتر اتم! اشکال نداره اگه این جواهر کریپتو نایبی رو ازت قرض بگیرم؟

"نوش جان پسر شگفت انگیز! می خواستم باهات کارهای خیلی بد بکنم!"

خیلی باحالی دکتر اتم!

سور تو سور منو تیکه تیکه کن!

ننن =

مشتت به درد همچین موقعیت هایی می خوره سوپرمن!



"مشت."

ها!

نقشه ای که با دکتر اتم دارید روش کار می کنید... که دنیا رو به دو بخش جهنم و بهشت تبدیل کنید... نقشه پلیدیه.

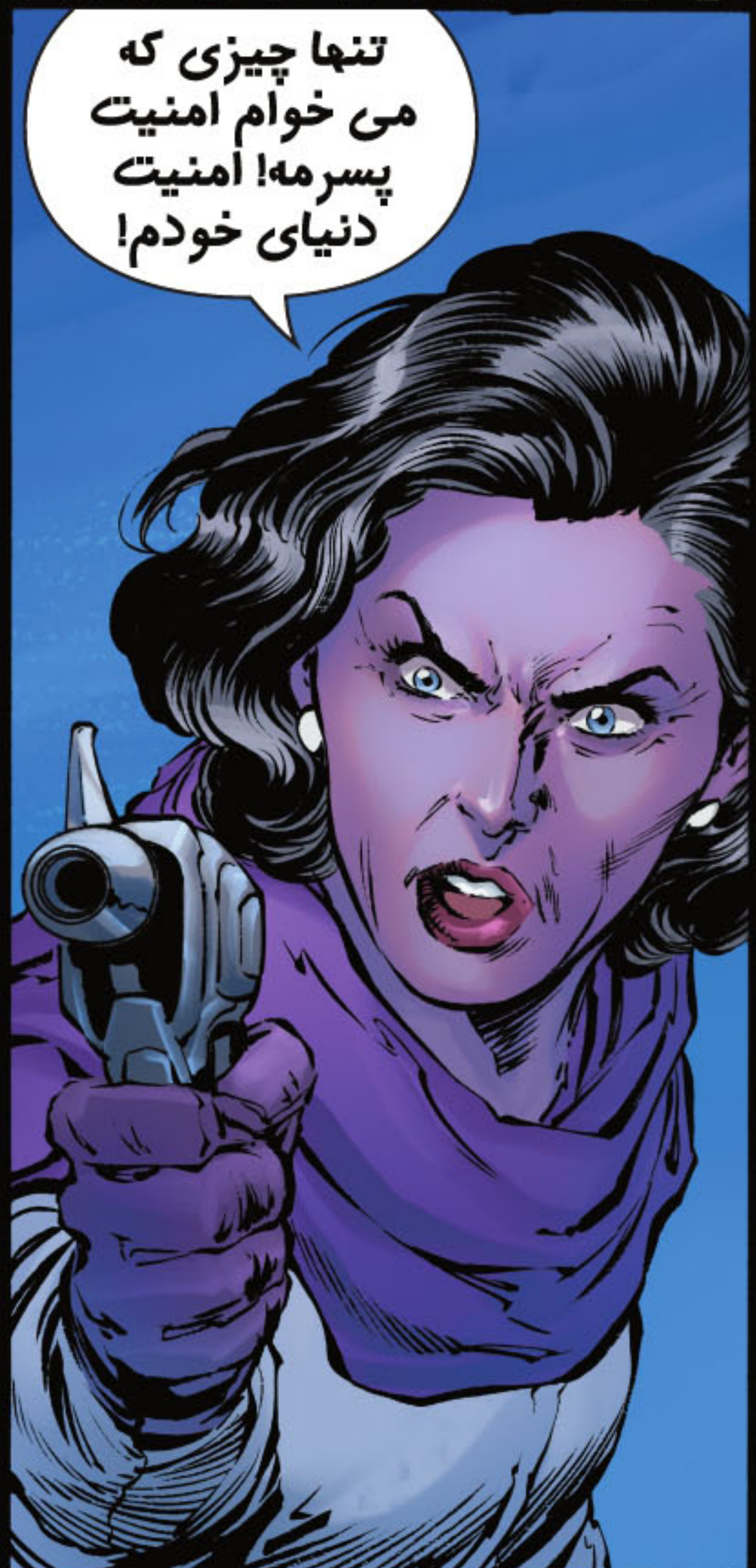


تو زنده ای چون دفعه آخری که بهت شلیک کردم، دقت کافی نداشتی، هیولا!

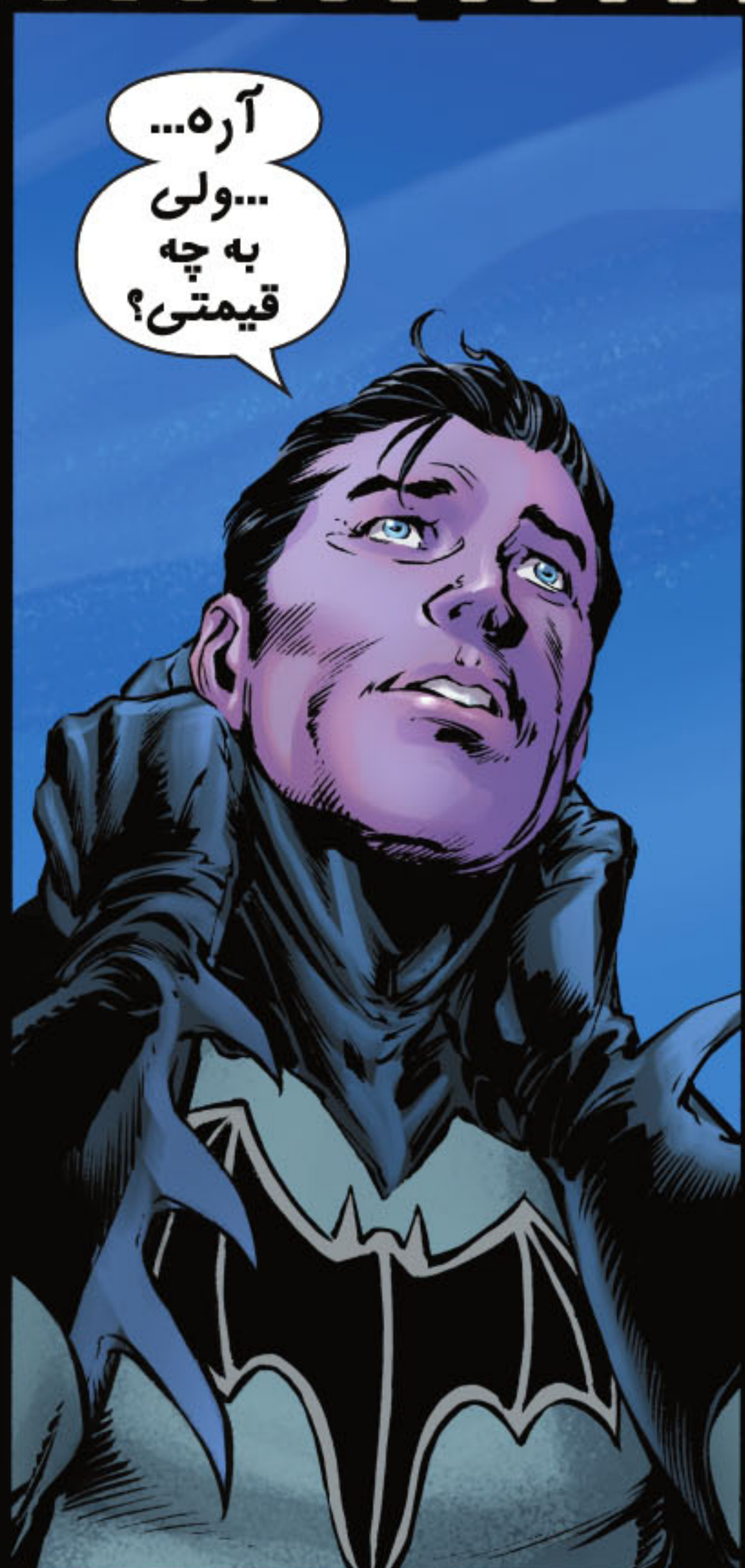
یه بار دیگه این اشتباه رو نمی کنم!

تمومه.

تنها چیزی که می خوام امنیت پسرمه! امنیت دنیای خودم!



آره... ولی به چه قیمتت؟



تو...!

تو...



خدای من... من... چیکار کردم...؟





دکتر اتم...؟ رابین!

ننن

هنوز به هوشه. ولی فردا صبح سردرد بدی خواهد داشت!



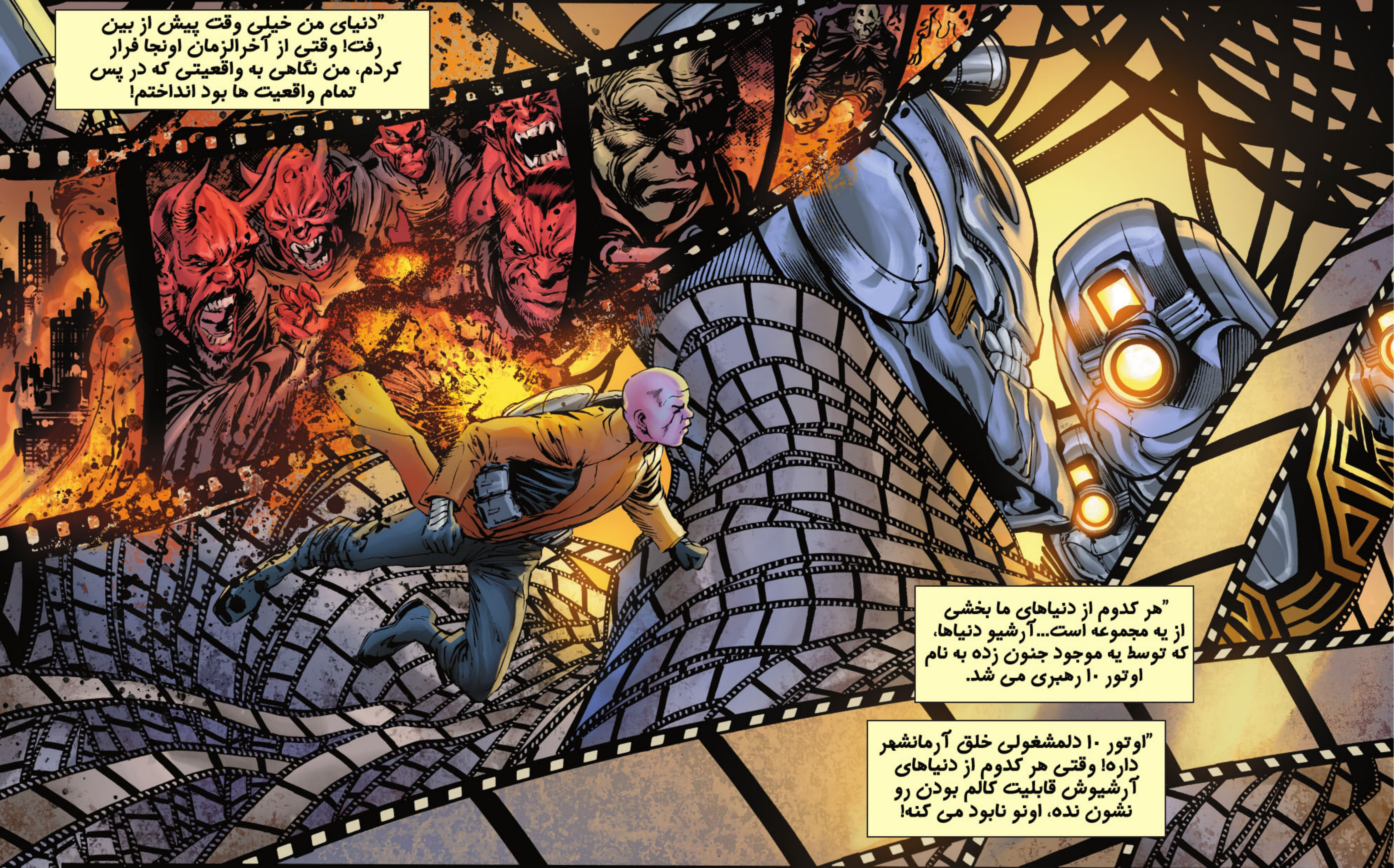
اووه! لکس لوتر، جادوگر ناشناس؟!

زندانیان لوتر؟!



احمق ها! من لکس لوتر دنیاهای شما نیستم!

"دنیای من خیلی وقت پیش از بین رفت! وقتی از آخرالزمان اونجا فرار کردم، من نگاهی به واقعیتی که در پس تمام واقعیت ها بود انداختم!"



"هر کدام از دنیاهای ما بخشی از یک مجموعه است... آرشیو دنیاهای ما که توسط یک موجود جنون زده به نام اوتور ۱۰ رهبری می شد."

"اوتور ۱۰ دلمشغولی خلق آرمانشهر داره! وقتی هر کدام از دنیاهای آرشیوش قابلیت کالم بودن رو نشون نده، اونو نابود می کنه!"



الان متوجه هدف نقشه هایی که با مارتا وین کشیدم، شدید؟

از طریق حذف عنصر جرم و بعد معرفی تکنولوژی پیشرفته ای که دارم روش کار می کنم!

می خوام از دست اوتور ۱۰ نجاتش بدم!

حالا قبل از اینکه همه ما محکوم به فنا بشیم رهام کنید!



من به همچین آدمی می گم دیوونه... جز اینکه من خودم هم از واقعیت دیگه ای هستم.



سوپرمن! چه اتفاقی افتاده؟!

عجیبه که جیم گوردون اینجاست.

حرکت های اون با حرکت های جیمی که می شناختم، فرق می کنه. احتیاط و خوشتن داری کمتری داره، انگار عمرش رو صرف محافظت از چیزهایی که ممکنه از تاریکی بیرون، نکرده.



کمیسر گوردون! دیدنت مایه دلگرمیه!

ما همدیگه رو می شناسیم مرد جوان؟



اون گوردون ما نیست رابین.

درسته!



کمیسر، اینها بتمن و رابین هستند. اینها همکارهای من هستند.

از گاتهام دیدار می کنند؟

یه همچین چیزی.

گفت "همکار" هر دو ما!

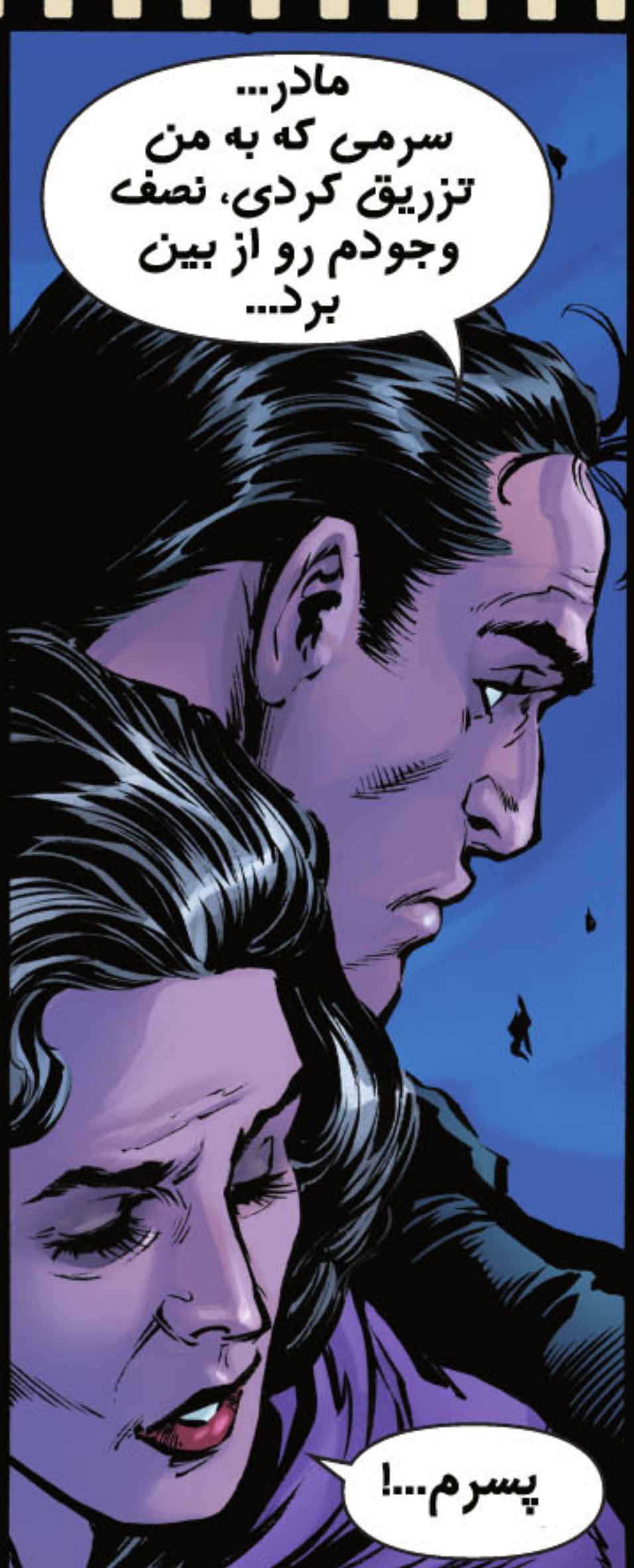


تازه جلوی یه گروه از مجرم ها رو گرفتیم... که شامل مارتا وین و پسرش بروس هم می شه.



مارتا وین؟! شوخیت گرفته!

متأسفانه درسته، کمیسر.



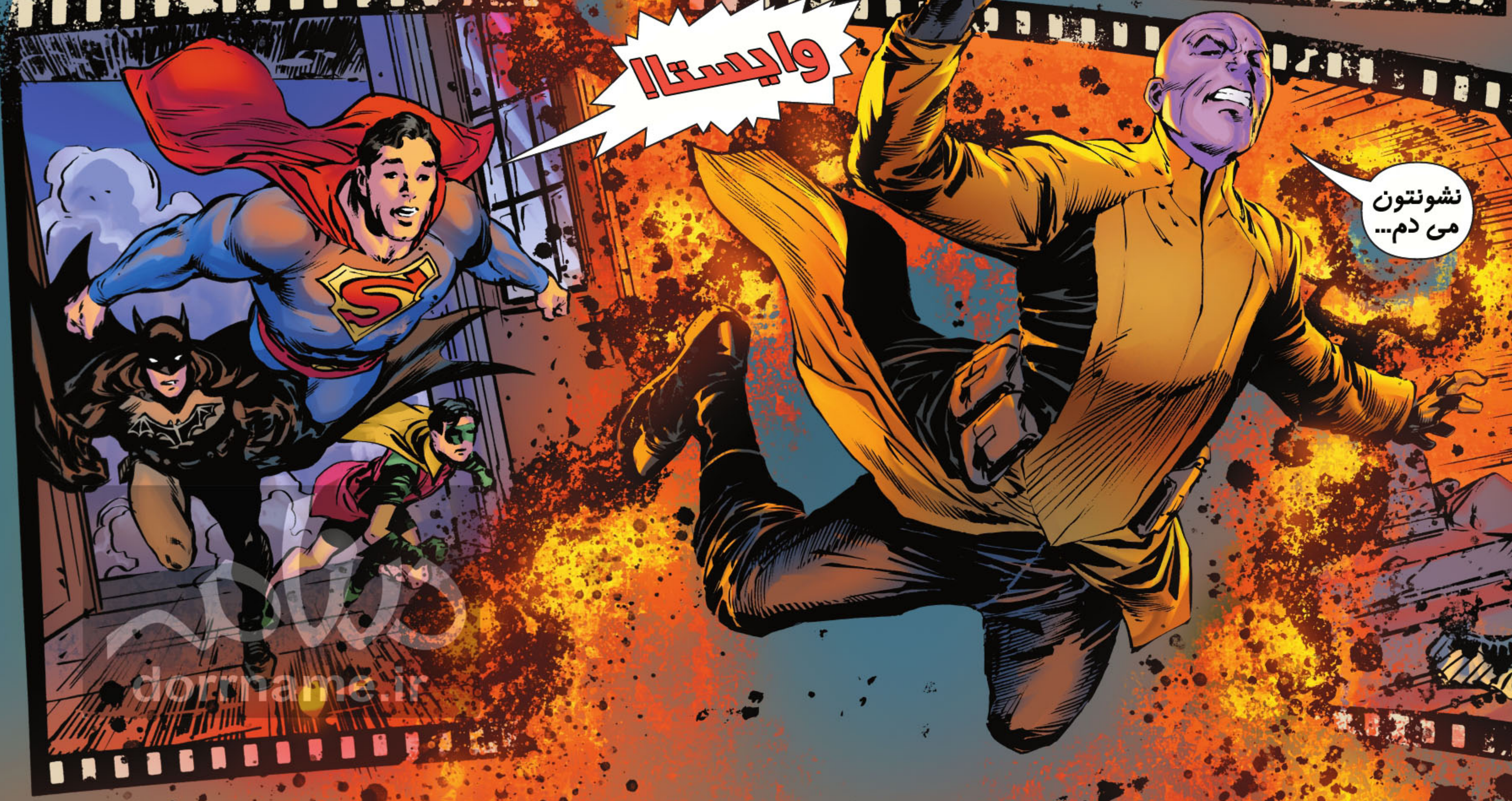
مادر... سرمی که به من تزریق کردی، نصف وجودم رو از بین برد...

پسرم...!



...ولی نه نیمه دوم! الان انگار دو تا چهره دارم، یکی انسانی...

... و کون یکی همینه! من نمی بفهمم! من برگریم کاری که کردی نمی کشمت!





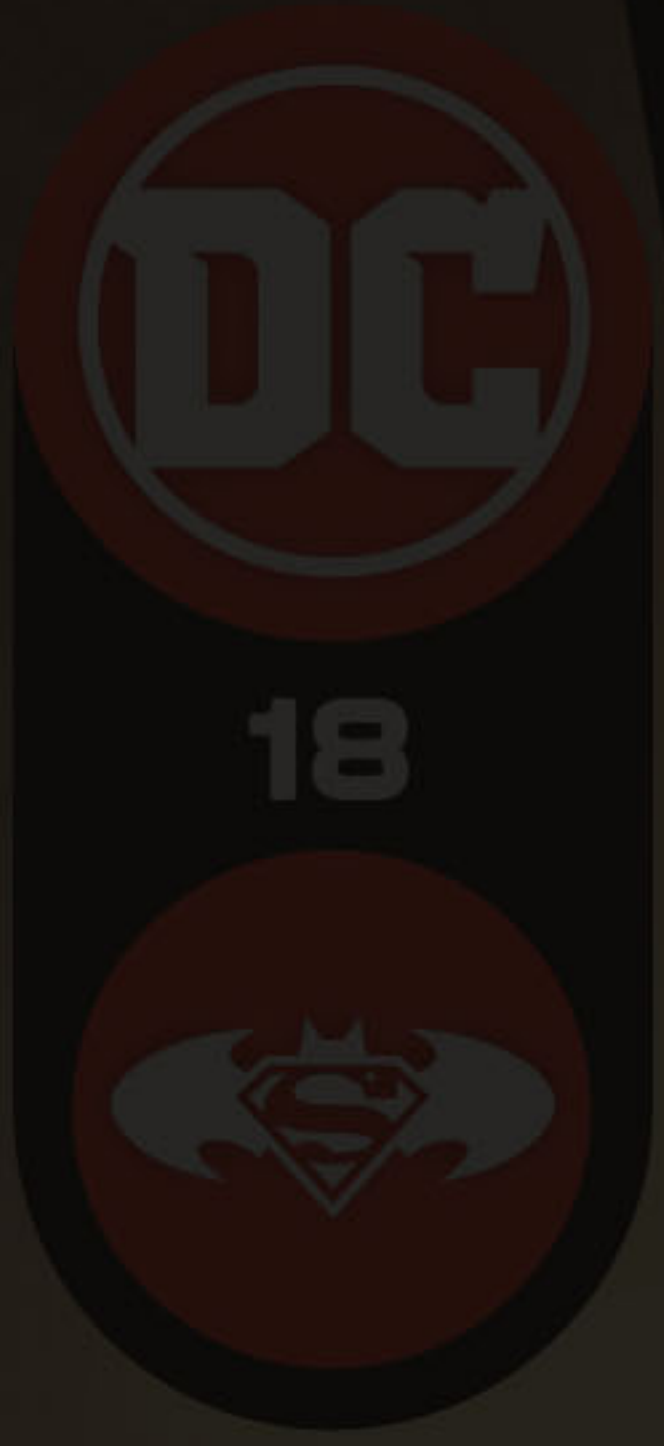
کریستال
فنتوم زون!

...واقعیت
موجود در پس
واقعیت ها!

GENE LUEN YANG writer
IVAN REIS & JOSÉ LUÍS pencils
DANNY MIKI & JONAS TRINDADE inks
SABINE RICH colors
SAIDA TEMOFONTE letters

REIS, MIKI & RICH cover
SIMONE BIANCHI variant cover
BEN MEARES assistant editor
PAUL KAMINSKI editor
BEN ABERNATHY group editor

قسمت بعد: دنیاها به هم می رسند! قهرمانان متحد می شوند! تکلیف مثلثات کنار گذاشته می شود!



BATMAN SUPERMAN

YANG
REIS
MIKI
RICH

